

سیاست بازرگانی و توسعه کشاورزی

دکتر غلامرضا سلطانی

عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

هدف این مقاله عبارت است از بررسی نقش سیاستهای بازرگانی در توسعه کشاورزی از دیدگاه سیستمی، برای این منظور ابتدا نتایج برخی از مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته ارائه شده است. سپس به ذکر عواملی که در موفقیت يك استراتژی بروننگرا اثر منفی می گذارند پرداخته شده و در پایان استراتژی توسعه صادرات محصولات کشاورزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به طور کلی نتایج مطالعات در کشورهای مختلف نشان می دهد که در دهه هشتاد اثر آزادسازی بازرگانی بر روی رشد اقتصادی و کشاورزی در کشورهای در حال توسعه متفاوت بوده است. در کشورهایی که همراه با آزادسازی بازرگانی خارجی به اصلاح سیستمهای مالی، ایجاد انگیزه برای افزایش تولید کشاورزی از طریق اصلاح سیستم بازاریابی، توسعه شبکه های آبرسانی و حمل و نقل و غیره مبادرت کرده اند به موفقیت های بیشتری دست یافته اند. در ارتباط با توسعه صادرات محصولات کشاورزی در ایران، این استراتژی می تواند باعث دسترسی بیشتر کشور به بازارهای جهانی شده به توسعه بخش کشاورزی کمک نماید ولی شرط لازم برای رسیدن به این هدف حمایت بخش کشاورزی و قویتر کردن پیوند آن با سایر بخشهای اقتصاد است. مسائل دیگری که در این رابطه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است عبارتند از اثر احتمالی آزادسازی بر توسعه پایدار کشاورزی، انتخاب نوع کالاهای صادراتی و ککش پذیری عرضه محصولات صادراتی، در تحلیل نهایی نتیجه گیری شده است که چون اثر آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی بر توسعه کشاورزی بستگی به شرایط حاکم بر اقتصاد يك کشور دارد، تجربه کشورهای دیگر نمی تواند رهنمود کافی برای سیاستگذاری در این زمینه ارائه کند. بنابراین سیاستهای بازرگانی در این زمینه باید بر اساس نتایج حاصل از پژوهشهای کاربردی و شبیه سازی شرایط موجود کشور اتخاذ شود.

سیاست بازرگانی در ارتباط نزدیک با سیاست قیمتگذاری است. وقتی کشور سیاست بازرگانی آزاد را انتخاب کند قیمت‌های داخلی با قیمت‌های جهانی برابر می‌شود. هرگاه بر کالاهای تجاری تعرفه برقرار شود قیمت‌های داخلی با قیمت‌های جهانی به اندازه میزان این تعرفه تفاوت خواهد کرد و اگر بازرگانی خارجی قطع شود رابطه‌ای بین این دو وجود نخواهد داشت.

کشورهای مختلف بر حسب شرایط خاص خود معمولاً یکی از استراتژی تشویق صادرات و پیا جایگزینی واردات را جهت نیل به هدف‌های توسعه اقتصادی و کشاورزی برمی‌گزینند. در استراتژی تشویق صادرات کشورها سعی می‌کنند به تولید کالاهایی پردازند که از کارایی نسبی بیشتری برخوردار باشد و سایر کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از طریق مبادله مازاد کالاهای تولید شده به دست آورند. بدین ترتیب این استراتژی که در قالب سیاست آزادسازی بازرگانی عمل می‌کند بر مبنای اصل برتری نسبی استوار است. برپایه این اصل هرگاه هزینه فرصت تولید کالاها و خدمات در کشورهای مختلف جهان متفاوت باشد به نفع هر کشور است که به تولید کالاهایی مبادرت کند که هزینه فرصت آن کمتر است. غالباً گفته می‌شود که تخصیص منابع بر مبنای این اصل در صورتی که تجارت بین کشورها آزاد باشد از چند طریق به توسعه کشاورزی کمک خواهد کرد.

اولاً سیاست آزادسازی بازرگانی که برابری قیمت‌های داخلی و قیمت‌های نسبی جهانی را به همراه خواهد داشت موجب بهینه ساختن سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود. ثانیاً تجارت آزاد سبب ایجاد رقابت بین بخش‌های مختلف گشته و در نهایت بهبود کارایی اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

ثالثاً یک استراتژی برون‌گرا که سبب تشویق صادرات شود، امکان واردات کالاهای حیاتی و اساسی از جمله تکنولوژی را میسر و برخی از تنگناهای پیشینی نشده را برطرف خواهد کرد.

گفتمنی است که استراتژی تشویق صادرات در برخی کشورها نظیر کره جنوبی و ژاپن از اولویت خاصی برخوردار بوده و این کشورها توانسته‌اند با انتخاب این استراتژی به توسعه اقتصادی نایل آیند. بسیاری از کشورهای توسعه یافته در مراحل اولیه توسعه اقتصادی خود توانسته‌اند از طریق صادرات محصولات کشاورزی ارزش لازم را برای توسعه اقتصادی فراهم آورند. معذالک صادرات محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه چنانکه انتظار می‌رفته نتوانسته نقش لازم را در توسعه اقتصادی و کشاورزی ایفا کند. بررسی علل و نارساییهایی که این کشورها در این زمینه داشته‌اند دارای اهمیت است. هدف این مقاله بررسی نقش سیاست‌های بازرگانی در توسعه کشاورزی از دیدگاه سیستمی است. برای این منظور ابتدا به ارائه برخی از مطالعاتی که در زمینه سیاست بازرگانی و توسعه کشاورزی صورت گرفته می‌پردازیم. سپس به ذکر عواملی که بر روی موفقیت یک استراتژی برون‌گرا و آزادسازی بازرگانی محصولات کشاورزی اثر

منفی خواهد داشت پرداخته و در پایان استراتژی توسعه صادرات محصولات کشاورزی در ایران را از دیدگاه سیستمی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

بررسی نتایج مطالعات انجام شده :

مطالعات انجام شده در زمینه اثر آزادسازی بازرگانی بر توسعه کشاورزی نشان می‌دهد که پیشبینی‌هایی که در زمینه منافع تجارت آزاد بر مبنای تئوری صورت گرفته در همه کشورها تحقق نیافته است. شکاف بین تئوری و عمل بویژه در مورد بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به دلیل نارساییهای ساختاری و نهادی بیشتر بوده است. به عنوان مثال نتایج مطالعات نشان داده است که منافع حاصل از افزایش کارایی تخصیص نتیجه تجارت آزاد به طور کلی و بویژه در مورد کشاورزی ناچیز بوده است. همانگونه که پاریخ (۱۹۸۸ و ۱۹۹۲) و والی (۱۹۸۵) متذکر شده‌اند نتایج مطالعاتی که با استفاده از شبیه‌سازی سیستمی انجام گرفته نشان می‌دهد که با رفع محدودیتهای تجاری در مورد محصولات کشاورزی قیمت‌های نسبی محصولات کشاورزی در بیشتر کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد. افزایش قیمت‌ها سبب افزایش تولیدات کشاورزی در بلند مدت می‌شود ولی اثر این سیاست روی کل در آمد ناخالص داخلی (GDP) ناچیز خواهد بود. حتی با تداوم این سیاست به مدت ۱۵ سال افزایش تولیدات کشاورزی به اندازه‌ای نخواهد بود که افزایش هزینه مواد غذایی برای مردم فقیر را جبران کند. جداول ۱ و ۲ نتایج آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی را که با استفاده از روش شبیه‌سازی سیستمی به دست آمده نشان می‌دهد.

جدول شماره: ۱

اثر سناریوهای مختلف آزادسازی تجارت بر روی تولید ناخالص داخلی
(درصد تغییرات بعد از ۱۵ سال بر حسب قیمت‌های سال ۱۹۷۰)

| کشورهای در حال توسعه | کشورهای اروپای شرقی | کشورهای OECD | جهان | سناریو |
|-------------------------|------------------------|-----------------|-------|---|
| -۰/۲۲ | -۰/۳ | ۰/۶۳ | +۰/۲۸ | تجارت آزاد محصولات کشاورزی در تمام کشورهای با اقتصاد آزاد |
| -۰/۰۲ | -۰/۴ | ۰/۴۸ | ۰/۲۲ | تجارت آزاد بین کشورهای OECD |
| -/۱۱ | -/۱۱ | ۰/۱۵ | ۰/۰۵ | تجارت آزاد توسط کشورهای در حال توسعه |

ماخذ: (۲)

جدول شماره: ۲

اثر سناریوهای مختلف آزادسازی بازرگانی بر نسبت گرسنگی
(درصد تغییر در تعداد افراد گرسنه)

| سناریو | ۵ سال بعد از اجرای سیاست | ۱۵ سال بعد از اجرای سیاست |
|----------------------------------|-----------------------------|------------------------------|
| آزادسازی در تمام کشورها | +۰/۸ | +۱/۴ |
| آزادسازی در کشورهای OECD | +۳/۳ | +۳/۶ |
| آزادسازی در کشورهای در حال توسعه | -۴/۷ | -۴/۶ |

مانند: (۲)

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد اثر آزادسازی بازرگانی بر روی رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای در حال توسعه منفی بوده است. علاوه بر این با اینکه تعداد افراد گرسنه در کشورهای در حال توسعه در نتیجه آزادسازی بازرگانی کاهش یافته است، سیاست بازرگانی محصولات کشاورزی همانند سیاست قیمتگذاری به تنهایی برای امنیت غذایی کافی نیست. در حقیقت نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که سیاستهای قیمتگذاری و بازرگانی و سایر سیاستهایی که بر مکانیزم بازار متکی می‌باشند برای تامین غذای کافی مردم فقیر سیاستهای موثری نیست زیرا افزایش تولیدات کشاورزی در نتیجه اعمال این سیاستها به اندازه‌ای نخواهد بود که افزایش هزینه مواد غذایی برای مردم فقیر را جبران کند. در حقیقت می‌توان گفت که سیاست آزادسازی (آزادسازی قیمتگذاری و آزادسازی بازرگانی) جهت تامین غذا برای آنان که قدرت خرید کافی دارند سیاست مناسبی است ولی برای نیازمندان که فاقد قدرت خرید می‌باشند سیاست مناسبی نیست.

جدول شماره ۲ ارزش صادرات کشاورزی و رشد سالانه بخش کشاورزی ایران را در فاصله سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۹ نشان می‌دهد. از آنجا که رشد بخش کشاورزی تابع عوامل متعددی است، براساس آمار مذکور نمی‌توان نسبت به اثر صادرات بر رشد کشاورزی اظهار نظر قطعی نمود.

جدول شماره ۳:

ارزش صادرات کشاورزی (میلیون دلار) و رشد بخش کشاورزی به قیمت سال ۱۳۶۱

| سال | صادرات کشاورزی | رشد سالانه بخش کشاورزی |
|------|----------------|------------------------|
| ۱۳۵۴ | ۳۱۰ | ۹/۸ |
| ۱۳۵۵ | ۲۸۰ | ۱۱/۵ |
| ۱۳۵۶ | ۳۳۰ | -۳/۹ |
| ۱۳۵۷ | ۳۴۰ | ۶/۵ |
| ۱۳۵۸ | ۳۲۰ | ۶ |
| ۱۳۵۹ | ۱۴۰ | ۳/۴ |
| ۱۳۶۰ | ۱۸۰ | ۲ |
| ۱۳۶۱ | ۱۶۰ | ۷/۱ |
| ۱۳۶۲ | ۱۸۰ | ۴/۹ |
| ۱۳۶۳ | ۲۰۰ | ۷/۳ |
| ۱۳۶۴ | ۴۲۷ | ۷/۸ |
| ۱۳۶۵ | ۴۶۱ | ۴/۴ |
| ۱۳۶۶ | ۵۵۳ | ۲/۵ |
| ۱۳۶۷ | ۶۸۶ | -۲/۵ |
| ۱۳۶۸ | ۷۴۰ | ۳/۷ |
| ۱۳۶۹ | ۷۵۲ | ۸/۱ |

منابع: سازمان خواربار و کشاورزی جهانی، سالنامه آماری سالهای مربوطه، نقل از (۱).

مذالك آمار این جدول حداقل نشان می‌دهد که صادرات کشاورزی در ایران نیز مانند دیگر کشورهای در حال توسعه اثر مثبتی بر رشد بخش کشاورزی نداشته است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این نظریه که آزادسازی تجارت خارجی سبب بهبود کارآیی اقتصادی می‌شود در مورد کشاورزی کشورهای

ویژه سمینار ۱۶۷

در حال توسعه از اعتبار زیادی برخوردار نیست. زیرا فعالیتهای کشاورزی در این کشورها توسط میلیونها کشاورز که در صحنه تولید با یکدیگر رقابت می کنند صورت می گیرد. بنابراین نمی توان انتظار داشت که در نتیجه رقابت بیشتر با تولید کنندگان کشورهای دیگر افزایش چشمگیری در کارآیی آنان حاصل شود. به طور کلی نتایج مطالعات در کشورهای مختلف نشان می دهد که در دهه هشتاد به دلیل وجود تفاوت های ساختاری و توسعه اقتصادی و بویژه رشد کشاورزی در کشورهای در حال توسعه متفاوت بوده است. در کشورهایی که همراه با آزادسازی بازرگانی خارجی به اصلاح سیستمهای مالی، ایجاد انگیزه برای تولید کشاورزی از طریق اصلاح سیستم بازاریابی، توزیع کود شیمیایی و سایر نهاده ها، توسعه شبکه های آبرسانی و غیره نیز مبادرت کرده اند به موفقیت های بیشتری دست یافته اند. بنابراین منطقی کردن سیاست قیمتگذاری و بازرگانی و تصحیح قیمت ها شرط لازم برای توسعه کشاورزی بوده ولی شرط کافی نیست. حمایت بخش کشاورزی از جانب دولت در زمینه توسعه زیرساختها و آموزش، تحقیق و ترویج کشاورزی نیز لازم است.

در مورد کشور ما نیز آزادسازی بازرگانی خارجی محصولات کشاورزی می تواند سبب کاهش تدریجی وابستگی کشور به صادرات نفت شده به رشد کشاورزی کمک نماید ولی برای تحقق این هدف لازم است آثار و پیامدهای این استراتژی از جهات مختلف مورد مطالعه قرار گیرد. در این باره بعداً بحث خواهد شد. عوامل منفی در تجارت محصولات کشاورزی:

به طور کلی عوامل زیرسبب کم اثر بودن نقش تجارت در رشد کشاورزی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می شود:

- ۱) ضعیف بودن پیوند بخش کشاورزی با سایر بخشهای اقتصاد بویژه بخش سنتی.
 - ۲) پایین بودن کشش درآمدی تقاضا برای محصولات کشاورزی در کشورهای پیشرفته و بالا بودن این کشش برای محصولات صنعتی در کشورهای در حال توسعه.
 - ۳) پیشرفتهای حاصل در تکنولوژی زیست در سالهای اخیر. این نوآوریها تقاضای کشورهای صنعتی را برای بسیاری از محصولات کشاورزی کشورهای جهان سوم کاهش داده و پیش بینی می شود که این روند کاهش در آینده تشدید شود. در این مورد می توان از محصولاتی نظیر شکر، کائوچو، قهوه، نارگیل و غیره نام برد که سهم درخور توجهی از صادرات کشاورزی کشورهای جهان سوم را بخود اختصاص می دهند.
 - ۴) بی ثباتی بازار جهانی و نوسانات نسبتاً شدید عرضه و تقاضا برای کالاهای کشاورزی.
 - ۵) ساختار نامناسب بازار داخلی محصولات کشاورزی.
- بخش صادرات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه پیوند لازم را با دیگر بخشهای اقتصاد برقرار

نکرده است. بدیهی است که هرچه این پیوند ضعیفتر باشد سیاست آزادسازی بازرگانی خارجی آثار مثبت کمتری بر روی رشد کشاورزی دربر خواهد داشت. تقویت این پیوند سبب می شود که محصولات صادراتی ارزش افزوده و اشتغال بیشتری در داخل کشور ایجاد کند و از این به رشد کشاورزی و اقتصادی مساعدت بیشتری نماید. پایین بودن کشت درآمدهای تقاضا برای محصولات کشاورزی در کشورهای پیشرفته و بالا بودن این کشت برای کالاهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه سبب تغییر نرخ مبادله به ضرر کشورهای صادر کننده محصولات کشاورزی شده است. همزمان با این گرایش، پیشرفتهای حاصل در تکنولوژی زیست نیز همانطور که گفته شد به ضرر کشورهای صادر کننده محصولات کشاورزی بوده است. نوسانات تولید داخلی و تقاضای جهانی باعث تغییرات جوی سبب نوسانات در قیمت و بی ثباتی در آمد ارزی کشورهای صادر کننده محصولات کشاورزی و مواد خام می گردد. به عنوان مثال آمار صادرات غیر نفتی ایران در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ که در جدول شماره ۴ نشان داده شده صحت این مطلب را بروشنی نشان می دهد. همان گونه که آمار جدول مذکور نشان می دهد در دوره مورد نظر سهم صادرات کالاهای کشاورزی در کل صادرات دارای نوسانات نسبتاً زیادی بوده است. نوسانات تولید داخلی و تقاضای جهانی از جمله عواملی بوده اند که به این بی ثباتی کمک کرده اند.

جدول شماره: ۴

ارزش کل صادرات و صادرات محصولات کشاورزی (میلیون دلار)

| سال | کل صادرات | سهم صادرات کشاورزی در کل صادرات (درصد) |
|------|-----------|--|
| ۱۳۵۸ | ۱۹/۸۸۰ | ۱/۶۳ |
| ۱۳۵۹ | ۱۴/۲۸۰ | ۱/۵۲ |
| ۱۳۶۰ | ۱۲/۶۰۰ | ۱/۴ |
| ۱۳۶۱ | ۱۹/۴۳۰ | ۰/۸۱ |
| ۱۳۶۲ | ۲۰/۱۲۰ | ۰/۸۹ |
| ۱۳۶۳ | ۱۳/۲۲۰ | ۱/۵۲ |
| ۱۳۶۴ | ۱۳/۴۰۸ | ۱/۴۷ |
| ۱۳۶۵ | ۸/۳۲۲ | ۲/۶ |

بقیه جدول شماره ۴:

ارزش کل صادرات و صادرات محصولات کشاورزی (میلیون دلار)

| سال | کل صادرات | سهم صادرات کشاورزی در کل صادرات (درصد) |
|------|-----------|---|
| ۱۳۶۶ | ۱۱/۶۸۵ | ۴/۲ |
| ۱۳۶۷ | ۹/۸۴۰ | ۳/۹ |
| ۱۳۶۸ | ۱۳/۵۰۰ | ۵/۵ |
| ۱۳۶۹ | ۱۷/۰۰ | ۴/۴ |
| ۱۳۷۰ | ۱۵۰/۰۰ | |

منبع: سازمان خواربار کشاورزی جهانی، سالنامه بازرگانی.

بدیهی است که شرایط اقلیمی و استعدادهای طبیعی یک کشور نظیر خاک مناسب، درجه حرارت، رطوبت و نور کافی در تعیین نوع محصول و برتری نسبی یک کشور به کشور دیگر نقش مهمی دارند. همچنین وجود نیروی کار فراوان می‌تواند در تولید محصولات صادراتی ارزان و قابل رقابت در بازار جهانی بسیار موثر باشند. گرچه مساعد بودن این عوامل شرط لازم برای موفقیت استراتژی توسعه صادرات کشاورزی به‌شمار می‌رود. ولی شرط کافی نیست. به عبارت دیگر نامساعد بودن سایر عوامل بر توانایی کشور در برخورداری از استعدادهای و پتانسیل‌های طبیعی خود اثر منفی خواهد گذاشت. به‌عنوان مثال اگر ساختار بازار داخلی، سیستم توزیع، شبکه راه‌های ارتباطی و بندرها، انبار و سردخانه برای نگهداری و حمل و نقل سریع و ارزان کالاهای صادراتی مهیا نباشد کشور توانایی رقابت با کشورهای رقیب را در بازار جهانی نخواهد داشت. هرگاه مدیریت بازار صادرات ضعیف بوده و عاملان این بازار از تخصص و مهارت‌های لازم برخوردار نباشند و یا به‌طور کلی کارآیی سیستم توزیع و بازار صادرات کشاورزی پایین باشد نمی‌توان به موفقیت استراتژی توسعه صادرات امیدوار بود. از طرف دیگر وقتی که بخش بازرگانی نسبت به بخش تولید دارای تناسب مطلوب و منطقی نبوده و تعداد عاملان این بخش تولید نسبت به حجم کالاهای صادراتی زیاد باشند حاشیه بازاریابی کالاهای صادراتی زیاد بوده در نتیجه قیمت کالاهای صادراتی به‌طور غیر منطقی بالا خواهد رفت. این وضعیت نه تنها باعث افزایش قیمت مصرف‌کننده می‌گردد، بلکه به‌دلیل سود سرشاری که نصیب عاملان بازار صادرات می‌گردد، نیروی شاغل در بخشهای تولید کشور را نیز بخود جذب خواهد کرد. به‌عبارت دیگر جاذبه کارهای تولیدی در مقایسه با فعالیتهای بازرگانی و واسطه‌گری بشدت کاهش خواهد یافت.

به طور کلی از بحث فوق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هرگاه بازار داخلی محصولات صادراتی از کارآیی لازم برخوردار نباشد افزایش قیمت ناشی از صدور این محصولات به تولید کننده منتقل نشده و در نتیجه به افزایش تولید آنها منجر خواهد شد. بنابراین افزایش کارآیی بازاریابی کالاهای صادراتی در کشورهای جهان سوم از جمله ایران از مهمترین عوامل تعیین کننده مزیت نسبی يك کشور به شمار می‌رود.

استراتژی توسعه صادرات محصولات کشاورزی: تحلیل سیستمی

همانگونه که قبلاً گفته شد در ارزیابی سیاست آزادسازی بازرگانی محصولات کشاورزی لازم است آثار و پیامدهای این سیاست از جهات مختلف مورد مطالعه قرار گیرد. در این مطالعه باید ضمن بررسی کلیه هزینه‌ها و منافع اجتماعی آزادسازی با يك دید جامع‌نگر اثر خالص این سیاست را بر اقتصاد کشور پیش‌بینی کرد. علاوه بر این اثر احتمالی آزادسازی بر توسعه پایدار کشاورزی، انتخاب نوع کالاهای صادراتی، کشش‌پذیری عرضه محصولات صادراتی در کوتاه مدت و دراز مدت از جمله مسائلی است که نیاز به بررسی دارد. در اینجا هر يك از مسائل مذکور اجمالاً مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱) نوع کالاهای صادراتی. انتخاب بین نوع محصولات صادراتی و همچنین بین تولید محصولات صادراتی و غذایی (Food crops VS. Export crops) از جمله مسائلی است که در سیاستهای بازرگانی محصولات کشاورزی باید مورد توجه قرار گیرد. در این ارتباط مسائلی از قبیل امنیت غذایی، تغذیه، وابستگی اقتصادی، توزیع درآمد، رشد اقتصادی و اشتغال و همچنین درجه پیوند محصولات مختلف با بخشهای دیگر اقتصاد مطرح است. هرگاه نرخ بیکاری در يك کشور بالا باشد و محصولات صادراتی کمتر از محصولات غذایی کاربرد باشند، توسعه تجارت ممکن است نرخ بیکاری را افزایش دهد. نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که بیشتر کشورهای در حال توسعه به صدور کالاهایی می‌پردازند که از برتری نسبی برخوردار است. نظر به اینکه در اغلب این کشورها نیروی کار فراوان است کالاهای صادراتی نیز به طور عمده در تولید کاربرد می‌باشند. بنابراین توسعه صادرات این گونه کالاها به افزایش اشتغال کمک می‌کند. افزایش اشتغال از سوی دیگر بهبود توزیع درآمد را به دنبال داشته است. علاوه بر این آزادسازی تجارت خارجی و عدم کنترل مستقیم دولت سبب کاهش رانت اقتصادی شده است. به عبارت دیگر این سیاست موجب کاهش درآمدهای بادآورده و افزایش درآمد حاصل از کار شده و از این طریق نیز به بهبود توزیع درآمد کمک کرده است.

۲) اثر تجارت بر هزینه‌های اجتماعی. اصولاً تجارت آزاد در صورتی بر روی توسعه پایدار کشاورزی اثر مثبت خواهد داشت که بین هزینه‌های اجتماعی و خصوصی تفاوتی وجود نداشته باشد. نظر به اینکه آزادسازی بازرگانی محصولات کشاورزی موجب افزایش قیمت داخلی این محصولات می‌شود، این افزایش می‌تواند به بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی نظیر مراتع، آبهای زیرزمینی، زمینهای حاشیه‌ای منجر شده و

نهایتاً موجب تخریب آنها گردد. در چنین شرایطی هزینه‌های اجتماعی بیشتر از هزینه‌های خصوصی خواهد شد.

این پدیده هم اکنون در برخی از مناطق کشاورزی کشور که به توسعه باغات میوه اختصاص دارند و همچنین در مراعی که در معرض چرای مفرط قرار دارند مشاهده می‌شود. در این مناطق آبکشی بیش از حد از آبخوانهای زیرزمینی سبب شور شدن آبهای زیرزمینی شده و در برخی موارد نیز به نشست سقف این آبخوانها و نابودی آنها منجر گردیده است. در چنین شرایطی مسلماً توسعه صادرات این محصولات به قیمت از دست دادن منابع حیاتی یعنی افزایش هزینه اجتماعی فعالیت‌های خصوصی میسر می‌شود. نظر به اینکه هدف توسعه پایدار کشاورزی استفاده منطقی از منابع طبیعی است در انتخاب کالاهای صادراتی باید دقت شود و از صدور کالاهایی که افزایش تولید آنها ممکن است به قیمت تخریب منابع حیاتی کشور تمام شود خودداری گردد. گفتنی است که در مواردی می‌توان این‌گونه مسائل را که موجب تحریف قیمت‌ها (Price distortion) می‌شود با وضع مالیات تا حدودی تصحیح کرد، به عبارت دیگر هزینه‌های اجتماعی (بیرونی) را به حساب تولید کنندگان خصوصی منظور نمود. کشش‌پذیری عرضه: شرط دیگر موفقیت استراتژی تشویق صادرات کشش‌پذیر بودن تولید و عرضه محصولات صادراتی است. نظر به اینکه عرضه کل محصولات کشاورزی در کوتاهمدت کشش‌ناپذیر است بنابراین افزایش تولید محصولات صادراتی لزوماً به قیمت کاهش تولید محصولات دیگر تمام می‌شود. بنابراین لازم است منافع حاصل از افزایش یک محصول را با زیان ناشی از کاهش محصول یا محصولات دیگر مقایسه کرد و سپس نسبت به صدور آن تصمیم گرفت. در درازمدت عرضه کل محصولات کشاورزی نسبت به قیمت می‌تواند کشش‌پذیر باشد یعنی مقدار عرضه در مقابل افزایش قیمت‌ها افزایش یابد. البته این افزایش در صورتی میسر خواهد بود که در کشاورزی سرمایه‌گذارهای زیربنایی لازم در مقیاسی بیشتر از گذشته انجام گیرد. از آنجا که عوامل موثر در افزایش تولید کشاورزی مکمل یکدیگرند این سرمایه‌گذارها باید تمام زمینه‌های توسعه کشاورزی را شامل شود. مهمترین این زمینه‌ها که مربوط به دولت می‌شود شامل توسعه منابع آب، احداث راه، سردخانه، انبار و سیلوهای ذخیره و نگهداری محصولات، آموزش، ترویج و تحقیقات کشاورزی و به‌طور کلی تولید و نشر اطلاعات است.

۴) ثبات اقتصادی: به منظور تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی لازم است که زمینه و جو مساعد برای این کار فراهم آید. مهمترین عاملی که به ایجاد این زمینه کمک می‌کند ثبات و امنیت اقتصادی است. زیرا در شرایط عدم ثبات اقتصادی و ناامنی، بخش خصوصی مایل به سرمایه‌گذارهای درازمدت در کشاورزی نیست. به بیان دیگر در شرایط عدم اطمینان هزینه فرصت سرمایه باعث می‌شود که بخش خصوصی بیشتر به طرح‌های کوتاهمدت گرایش پیدا کند و احتمال اینکه در جهت

تخریب منابع آب و خاک سوق داده شود بیشتر خواهد بود.

خلاصه و نتیجه گیری:

با توجه به بحثهای فوق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اثر حذف موانع گمرکی و آزادسازی بازرگانی محصولات کشاورزی بر اقتصاد کشور بستگی به تراز بازرگانی خارجی بخش کشاورزی دارد. نظر به اینکه آزادسازی تجارت و حذف سوبسیدهای کشاورزی سبب افزایش قیمت‌ها شده و تراز بازرگانی نیز منفی است، این سیاست در کوتاهمدت به نفع کشور نخواهد بود.

در دراز مدت اثر آزادسازی بازرگانی بستگی به دو عامل دارد. اول اینکه آیا افزایش قیمت محصولات وارداتی به افزایش تولید داخلی محصولات جایگزین منجر می‌شود یا نه؟ و دوم اینکه آیا قیمت محصولات داخلی پایتتر از قیمت‌های جهانی می‌باشد یا نه. در مورد کالاهای استراتژیک نظیر گندم منافع کشور حکم می‌کند که حداقل در کوتاهمدت با ادامه حمایت دولت، افزایش تولید آن در داخل کشور تشویق شود. در دراز مدت گرچه برخی صاحب‌نظران کاهش تدریجی و مرحله‌ای حمایت بخش کشاورزی را پیشنهاد می‌کنند ولی با توجه به بحث‌های گذشته پیامدهای اتخاذ چنین سیاستی ممکن است خوشایند نباشد. در ارتباط با توسعه صادرات محصولات کشاورزی، این استراتژی می‌تواند باعث دسترسی بیشتر کشور به بازارهای جهانی شده و به توسعه بخش کشاورزی کمک کند. ولی شرط لازم برای رسیدن به این هدف حمایت بخش کشاورزی و قویتر کردن پیوند آن با سایر بخش‌های اقتصاد است. علاوه بر این برنامه‌هایی که تعدیل ساختاری را در بخش کشاورزی سریعتر و با هزینه کمتر میسر سازد ضروری به نظر می‌رسد. از جمله این برنامه‌ها می‌توان از اصلاح سیستم‌های مالی و بازاریابی، عرضه نهاده‌های کشاورزی، توسعه شبکه‌های آبرسانی و غیره نام برد.

در تحلیل نهایی نظر به اینکه اثر آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی بر توسعه کشاورزی بستگی به شرایط حاکم بر اقتصاد یک کشور دارد، تجربه کشورهای دیگر در این زمینه نمی‌تواند رهنمود کاملی برای سیاست‌گذاری و اجرا ارائه کند.

بنابر این سیاست‌های بازرگانی در این زمینه باید براساس نتایج حاصل از پژوهش‌های کاربردی و شبیه‌سازی شرایط موجود کشور اتخاذ شود.

منابع مورد استفاده:

- 1) Mojtahed, A. and H.Esfahani, 1989. (Agricultural Policy and Performance in Iran: The post Revolutionary Experince) World Development. 17(6)
- 2) Parikh, K.S.1992. (Food security: Issues and options). Proceedings of 21ST international conference of Agricultural Economists. Tokyo, Japon.
- 3) Parikh, K. etal. 1988. Toward free Trade in Agriculture. Martinus Nijhoff, Netherlands.
- 4) سلطانی، غ. و نجفی، ب. ۱۳۶۲. اقتصاد کشاورزی مرکز نشر دانشگاهی. تهران.
- 5) Walley, J. 1985. Trade Liberalization Among Major Word Trading Areas. MIT Press, Cambridge, M A.

